

ابن درستویه

يك چهره درخشان ایرانی در نحو عربی

بغداد شهر یکه پیا پیخیزد

بغداد در عصر ساسانی یکی از مناطق ییلاقی حومه مدائن بوده است. بزرگان دولت در آن، بناها و باغهایی جهت استراحت و تفریح داشته‌اند. تا آغاز دوره اسلامی بغداد دیهی بیش نبود. در سالهای ۱۴ و ۱۷ هجری بصره و کوفه بوسیله عتبه بن غزوان مازنی و سعد بن ابی وقاص سرداران اسلامی بنا شد^۱. و فاصله کوتاهی دو مکتب نحوی در آنها پدید آمد. و حیات علمی و فکری در آنها رشد یافت. بغداد در این وقت هنوز بصورت شهر درنیامده بود.

ابوجعفر منصور دومین خلیفه عباسی (۱۳۶ - ۱۵۸ ه) بنا به ملاحظات سیاسی و طبیعی بغداد را بصورت شهری درآورد (۱۴۶ ه)^۲. خلفاء عباسی بغداد را مقر خلافت خویش قرار دادند. و اهتمام بلیقی در آبادانی آن مبذول داشتند.

نهضت فکری در بغداد

همزمان با عمران و گسترش شهری بغداد، حیات علمی و فکری و ادبی در آن پدیدار گشت. زیرا بخاطر تشویق و تأیید خلفاء و بزرگان دولت عباسی علماء و فقهاء

۱ - المعارف ۵۶۳ و ۵۶۵ و معجم البلدان ۴۳۲/۱ و ۴۹۱/۴ .

۲ - تاریخ بغداد ۷۸/۱ .

و ادباء و شعراء به این شهر روی آوردند. و هنوز سده اول بنیاد این شهر به پایان نرسیده بود که انبوهی از علماء و ادباء در آن استقرار یافتند. مدارس و کتابخانه‌ها و بیمارستانها و رصدخانه‌ها در آن تأسیس شد. و در رأس همه این مؤسسات «بیت الحکمة» که مرکز مهم ترجمه و تدوین کتب در علوم و فنون مختلف بوده، در این شهر بوجود آمد.^۳ چنانکه کتابهای فراوانی در آن فراهم آمد، و دانشمندان برجسته‌ای در آن سرگرم تحقیقات بوده‌اند.

سرعت بغداد در سیر علمی و ادبی درخشان خود دو مکتب بصره و کوفه را تحت الشعاع قرار داد. و خود میدان برخورد آراء دو مکتب مزبور و سایر مکاتب گردید

نحو در بغداد

نحو که بوسیله ابوالاسود دؤلی از شاگردان و مخلصان امیرالمؤمنین علی علیه السلام و با اشاره آنحضرت پایه‌گذاری شده بود^۴ مانند بسیاری از علوم ادبی دیگر در آغاز جهت صیانت قرآن از اشتباه و انحراف و تبیین و توضیح آن ظهور یافت. و کم‌کم دامنهٔ مباحث آن گسترده شد، و آراء نحوی، گوناگون گردید، و بالاخره دو مدرسه متباین نحوی در بصره و کوفه تشکیل شد.

برخی متأخرین نظیر جرجی زیدان و احمد امین از نویسندگان جدید در تقدم ابوالاسود و حتی در نحو دانستن او و مخصوصاً در اقتباس وی از امیرالمؤمنین، به خیال و گمان (چنانکه خود گفته‌اند: و یقلب علی ظننا)^۵ تردید کرده‌اند. لیکن باید گفت با وجود نصوص مسلم تاریخ جایی برای این نوع تردید باقی نمی‌ماند. نویسنده جواب آنان را مستدلاً در رساله‌ای تحت عنوان تطور علم نحو نگاشته است. حتی در برخی نوشته‌های دیگرشان نقض این قسمت از گفتارشان وجود دارد.

ابوالاسود (۶۷ هـ) و عبدالله بن ابی اسحاق حضرمی (۱۱۷ هـ) و عیسی بن عمر ثقفی (۱۴۹ هـ) پایه‌گذاران اولیه مکتب بصره بوده‌اند.

۳ - الفهرست ۲۴۳ .

۴ - المعارف ۴۳۴ و الفهرست ۳۹ و وفیات الاعیان ۲/۲۱۶ و بغیة الوعاة ۲۷۴ .

۵ - تاریخ آداب اللغة ۱/۲۵۱ .

رؤاسی (همعصر خلیل بن احمد) و کسائی (۱۹۷ هـ) و فراء (۲۰۷ هـ) و برخی دیگر پس از آنکه از مکتب بصره نحو را فرا گرفتند، در بعضی مسائل صاحب نظریاتی متباین با آراء بصریان شدند. و مکتب کوفه را تأسیس نهادند.

عام نحو در بغداد دنباله همان مسائلی است که قبلاً در بصره و کوفه جولانگاه افکار و آراء دانشمندان و نحاة بوده است. لیکن در این شهر کوشش بلیغ در جرح و تعدیل و رد و قبول آن افکار و آراء بعمل آمد. بطوریکه مکتب بغداد عرض وجود نمود. و طوفان اصطکاکات در حل و بحث آراء نحوی بالا گرفت.

عصری که ابن درستویه ظهور یافت

پایان قرن سوم و آغاز قرن چهارم دوره ایست که بغداد در جمیع شؤون علمی و فکری و ادبی به ذروه اعتلای خویش رسیده بود. و حدود ۱۵۰ سال از تأسیس بغداد و حرکت فکری آن می گذشت. مبارزات مکاتب از سطوح پائین بیرون رفته، و در اوج و شدت قرار گرفته بود. دانشمندان زیادی در همه رشته های علوم و فنون ظاهر شده بودند. و کتب زیادی تألیف یافته بود تلاً و درخشندگی در چنین عصری در میان آنهمه اکابر دانش و اعظام فنون آسان نبود. معدک می بینیم ابن درستویه در همین زمان در بغداد یعنی کانون فوران دانش در جهان اسلام، پدیدار گشت. و در بسیاری از علوم زمان مایه یافت. بویژه در نحو که به قول برخی نویسندگان تراجم احوال، در آن سرآمد و ممتاز و صاحب نظر بوده است.^۶

ولادتش

ابو محمد عبدالله بن جعفر بن محمد بن درستویه بن المرزبان به سال ۲۵۸ هـ در خاندان علم دیده به جهان گشود. ابن ندیم که از نظر زمان به ابن درستویه نزدیکتر و تقریباً با وی معاصر است، سال ولادت او را ذکر ننموده، لیکن قفطی و خطیب سال مزبور را در تولد او یاد کرده اند.^۷

۶ - طبقات النحویین ۱۲۷ .

۷ - انباه الرواة ۱۱۴/۲ و تاریخ بغداد ۴۲۹/۹

خاندان ابن درستویه

پدر او از محدثان بزرگ بود . بنابراین ابن درستویه درخاندان علم قدم به عرصه وجود نهاد . و از این رو میتوان گفت مقدمات گرایش وی به دانش تقریباً فراهم بوده است . و چون کیفیت آغاز تحصیلات او معلوم نیست، میتوان حدس زد که وی مقدمات علوم را در خانواده خود و در ذیل عنایت پدر تحصیل نموده است .

مولدش .

ابن درستویه که غور و تأمل دقیق در نحو عربی نموده ، شاخه برومندی از اصل نجیب ایرانی است . وی در فسا از توابع فارس بدنیا آمد و چنانکه از نامهای فارسی اجداد او ، درستویه و مرزبان^۹ برمی آید مردمی ایرانی نژاد و پارسی زبان بوده اند . و پس از قبول آئین مقدس اسلام بوسیله این خاندان، نامهای فرزندانشان به محمد و جعفر و عبدالله تغییر یافته است .

مسکن او

خطیب می نویسد :

«او اهل فسا و ساکن بغداد بوده ، و تا زمان وفات در این شهر زندگی مینموده است»^{۱۰} . از این شرح اجمالی که خطیب بدست میدهد نمیتوان فهمید که ابن درستویه در چه قسمتی از عمر خویش از فسا به بغداد کوچیده است و هنگام ارتحال به بغداد چه مایه ای از علم را داشته است . لیکن میتوان استنباط کرد ، پدر وی که بنا بنقل ابن خلکان از کبار محدثان بوده ، در فسا اقامت داشته است . و ابن درستویه بعد از تولد یا به همراه پدر و یا منفرداً بصوب بغداد عزیمت کرده و در جولا نگاه علمی آن شهر تجلی یافته است .

۸ - وفیات الاعیان ۲/ ۲۴۷ .

۹ - تاریخ بغداد ۶/ ۴۲۹ .

۱۰ - تاریخ بغداد ۶/ ۴۲۹ .

دانش ابن درستویه

اومردی فاضل^{۱۱} و جلیل‌القدر و با آوازه و دارای تصنیفات نیکو بود^{۱۲}. در بسیاری از علوم دینی و ادبی زمان دست داشته است. ابن درستویه تقریباً فرهنگ اسلامی را درک کرده و در پاره‌ای از علوم آن تصنیفات و تألیفات بجای نهاد. که متأسفانه اکثر آنها مانند آثار غالب دانشمندان قرون اولیه اسلامی از بین رفته است.

عبدالله بن جعفر در صرف و نحو و لغت و تفسیر و قرأت و سیر و عروض و فهم اشعار متبحر بود. لیکن در خشنده‌گی وی در علم نحو بوده است. چنانکه بیشتر کتب وی در زمینه این علم انجام گرفت. و بهمین علت به نحوی مشهور گردید. او (الکتاب) تألیف سیبویه را نزد مبرد خواند. و در فهم مسائل و تبیین مطالب آن سرآمد و صاحب‌نظر گردید. و در تصانیف خود نهایت خوبی و استحکام را داشته است^{۱۳}.

گرایش به مکتب بصره

چنانکه گذشت بغداد میدان برخورد آراء نحویان دو مکتب بصره و کوفه بود. دانشمندان این شهر گروهی به‌جانب بصریان و عده‌ای به‌سوی کوفیان گرایش داشته‌اند. و برخی دو مذهب نحوی را بهم آمیخته و شکل سومی بدان داده بودند^{۱۴}.

ابن درستویه در حلقه اصحاب مبرد (۲۸۵ هـ) شدیداً به مکتب بصره تعصب می‌ورزید. او همچنین در مسائل لغت نیز به بصریان پیوست. و در بسیاری از علوم ایشان تفتش نمود. و مفضل بن سلمه^{۱۵} عالم کوفی مذهب را که در نقض کتاب‌العین خلیل بن احمد فرایدی (۱۷۰ هـ) کتابی نوشته بود رد کرد^{۱۶}.

۱۱ - الفهرست ۶۳ .

۱۲ - انباه‌الرواة ۱۱۳/۲ و طبقات النحویین ۱۲۷ .

۱۳ - انباه‌الرواة ۱۱۳/۲ و طبقات النحویین ۱۲۷ .

۱۴ - الفهرست ۷۷ .

۱۵ - در سال ۲۹۰ هـ. حیات داشته‌است ریحانة‌الادب ۶/۴ .

۱۶ - طبقات النحویین ۱۲۷ و الفهرست ۶۳ و انباه‌الرواة ۱۱۳/۲ .

باتوجه به اسماء کتب او غالب تألیفاتش علیه پیروان مکتب کوفه بوده است. و شاید بهمین دلیل است که در ترجمه او نوشته‌اند:

«وكان فاضلاً مفنناً في علوم كثيرة من علوم البصريين ويتعصب لهم عصبية شديدة» = شخص فاضلی بود که در بسیاری از علوم بصریان تفنن کرده و شدیداً نسبت به مکتب بصره تعصب داشته است»^{۱۷}.

استادانش

شیوخ و بزرگانی که ابن درستویه از محضر آنان کسب فیض نموده و خوشه‌های دانش چیده است عبارتند از:^{۱۸}

- ۱ - احمد بن الحباب الحمیری .
- ۲ - یعقوب بن سفیان النسوی .
- ۳ - عباس بن محمدالدوری .
- ۴ - یحیی بن ابی طالب .
- ۵ - قاسم بن مفیره جوهری .
- ۶ - محمد بن حسین حینی .
- ۷ - ابو قلابه رقاشی .
- ۸ - عبدالرحمن بن محمد بن منصور حارثی .
- ۹ - عبدالکریم بن هیشم عاقولی .
- ۱۰ - ابوالعباس مبرد (۲۸۵) .
- ۱۱ - عبدالله بن مسلم بن قتیبه (۲۷۶هـ)
- ۱۲ - ابوالعباس ثعلب (۲۹۱) .

ابن درستویه در اخذ علم از تمام ایشان یکسان نبوده است . بلکه در نزد بعضی درک حدیث نموده ، و در پیش برخی دیگر زانو زده و کتاب خوانده و اشکالات خویش را رفع نموده است . چنانکه زبیدی و قفطی می‌نویسند :

۱۷ - الفهرست ۶۳ -

۱۸ - طبقات النحویین ۱۲۷ و الفهرست ۶۳ و تاریخ بغداد ۴۲۹/۹ و البدایه والنهایه النهایه ۲۲۳ -

«الکتاب (تألیف سیبویه در نحو) را نزد مبرد خواند و سرآمد و صاحب نظر شد»^{۱۹}.
 در بغیة الوعاة تألیف سیوطی (۹۱۱ هـ) آمده:
 «اخذ عن الدارقطني وغيره - از دارقطنی و دیگران فرا گرفته است»^{۲۰} این جمله درست نیست. زیرا همه تراجم پیش از بغیة الوعاة متفقند که دارقطنی از ابن درستویه فرا گرفته است. بنظر میرسد در اصل جمله چنین بوده «اخذ عنه الدارقطني وغيره» که در چاپ ضمیر متصل حذف و این اشتباه روی داده است.

شاگردانش

براعت ابن درستویه در علوم متعدد زمان خاصه در نحو وی را مرجع دانش پژوهان قرار داد و جماعتی از محضر درسش برخوردار بوده‌اند. از آن جمع نام این عده را در کتب پیدا میکنیم:^{۲۱}

- ۱ - ابوعلی بغدادی .
- ۲ - محمد مظفر دارقطنی .
- ۳ - ابن شاهین .
- ۴ - ابو عبیداله المرزبانی .
- ۵ - منصور بن ملاعب صیرفی .

زیبیدی مینویسد:

« ابوعلی بغدادی کتاب سیبویه را بر ابن درستویه خوانده و حرف بحرف از او پرسیده است»^{۲۲}.

وثاقت و ضعف او

در توثیق و تضعیف ابن درستویه سخن متناقض گفته‌اند. برخی او را ثقه و

۱۹ - طبقات النحویین ۱۲۷ و انباه الرواة ۱۱۳/۲ .

۲۰ - بغیة الوعاة ۲۷۹ .

۲۱ - طبقات النحویین ۲۰۳ و تاریخ بغداد ۹/۲۹ ۴ و البدایه و النهایه ۲۳۳ .

۲۲ - طبقات النحویین ۲۰۳ .

بعضی وی را ضعیف شمرده‌اند. در تضعیف او داستانی نقل میکنند که باتوجه به شخصیت علمی او و بزرگی خاندانش بعید بنظر می‌رسد. خطیب می‌نویسد:

«هبه‌الله بن حسن طبری گفت: شنیدم که به ابن درستویه گفتند که حدیثی از عباس الدوری روایت نماید درهم بتومیدهم. او انجام داد، درحالیکه ازعباس نشنیده بود ولی این قول باطل است. و ابن درستویه قدرش بالاتر است ازاینکه دروغ بگوید»^{۲۳}.

چنانکه گذشت وی فرزند یکی از محدثان بزرگ، و خود یک شخصیت مهم علمی بوده است. چگونه متصور است، که برای دریافت یک درهم حدیثی به دروغ روایت کند. این داستان با برخی اخبار دیگر که توثیق ابن درستویه را ثابت میکند نقض گردیده است. چنانکه خطیب به دنبال آن داستان ذکر میکند: «برخی او را ثقه شمرده‌اند» و نیز سیوطی می‌نویسد: «ابن منده و دیگران او را توثیق کرده‌اند»^{۲۴}.

تالیفات ابن درستویه

میان نویسندگانیکه آثار ابن درستویه را ضبط نموده‌اند، ابن ندیم (۳۸۵ هـ) و قفطی (۶۴۶ هـ) تصنیفات او را به تفصیل ذکر کرده‌اند. ابن ندیم معاصر ابن درستویه است و به علت حرفه اش که وراق بوده اطلاع عمیق‌تر بر کتب داشته است. باتوجه به قرابتی که این دو نفر در توالی کتب ذکر نموده‌اند، احتمال می‌رود، قفطی در ضبط کتب ابن درستویه از فهرست ابن ندیم استفاده کرده‌است. معذک اختلافی در تعداد و اسماء کتب وجود دارد. مجموع کتبی که به ابن درستویه نسبت داده‌اند ۴۲ کتاب است.

کتبی که در فهرست و انباه الرواة بدون اختلاف ذکر شده:

- ۱ - الارشاد فی النحو.
- ۲ - الهدایه.
- ۳ - شرح الجرمی.
- ۴ - شرح الفصیح.

۲۳ - تاریخ بغداد ۶/۴۲۹.

۲۴ - بغیة الوعاة ۲۷۹.

۲۵ - فهرست ۶۳ و انباه الرواة ۲/۱۱۳.

- ۵ - المقصور والممدود .
- ۶ - الهجاء .
- ۷ - غریب الحدیث .
- ۸ - معانی الشعر .
- ۹ - الحی والمیت .
- ۱۰ - التوسط بین الاخفش و ثعلب فی معانی القرآن و اختیار ابی محمد فی ذلك .
- ۱۱ - تفسیر الشیء .
- ۱۲ - شرح المقتضب .
- ۱۳ - نقض کتاب ابن الراوندی علی النحویین .
- ۱۴ - الازمنة .
- ۱۵ - الرد علی ثعلب فی اختلاف النحویین .
- ۱۶ - خبر قس بن ساعده و تفسیره .
- ۱۷ - شرح الکلام و نقاه .
- ۱۸ - الرد علی ابی مقسم فی اختیاره .
- ۱۹ - اخبار النحویین .
- ۲۰ - الرد علی الفراء فی المعانی .
- ۲۱ - جوامع العروض .
- ۲۲ - رساله الی نجیح الطولونی فی تفضیل العربیة .
- ۲۳ - الکلام علی ابن قتیبة فی تصحیف العلماء .
- ۲۴ - الرد علی من قال بالزوائد و ان ینزل فی الکلام احرف زائد .
- کتبی که در نام آنها اختلاف وجود دارد :

بنقل النهرست :**بنقل انباء الرواة :**

۲۵ - رد علی المفضل بن سلمة و نقض

کتاب العین رد علی المفضل فی الرد علی الخلیل ۲۶ .

۲۶ - چنانکه سیوطی نقل میکند مفضل بن سلمه ایرادها را به کتاب العین خلیل وارد کرده و ابن درستویه ایرادها را وارد میکند و می نویسد: «وله کتاب فی الرد علی المفضل بن سلمة فیما نسبة من الخلیل الیه» المزهرة ۱/ ۸۹ .

- ۲۶ - المعانی فی القراءات .
 ۲۷ - الرد علی مدرج العروضی .
 ۲۸ - الاحتجاج للقراء (به قاف) .
 ۲۹ - تفسیر شبلی بن عروہ .
 ۳۰ - الرد علی ابن زید البلخی فی النحو .
 ۳۱ - النصره لسوید علی جماعه النحویین
 ۳۲ - الرد علی من نقل کتاب العین عن الخلیل
 ۳۳ - المتمم .
 ۳۴ - ادب الکاتب .
 ۳۵ - المذکر والمؤثث .
 ۳۶ - تفسیر السبع .
 ۳۷ - اسرار النحو .
 ۳۸ - مناظره سیبویه للمبرد .
 ۳۹ - شرح المفصلیات .
 ۴۰ - الرد علی ابن خالویه فی الكل والبعض .
 ۴۱ - الاضداد .
 ۴۲ - ابطال القلب .
- کتابی که در الفهرست آمده و در انباه الرواة مذکور نیست :
- کتابی که در انباه الرواة آمده و در الفهرست مذکور نیست :
- کتابی که سیوطی از وی نقل کرده است^{۲۷} :

لازم به توضیح میداند که ابن خلکان تعدادی از کتابهای ابن درستویه را ذکر نموده است و ضمن آنها کتابی بنام (الاعداد) ثبت کرده است احتمالاً این همان کتاب (الاضداد)

است که ابن ندیم و قفطی ذکر نموده‌اند و کتابی بنام الاعداد برای ابن درستویه نشرده‌اند.

کتابی از ابن درستویه که در دست است

تطاول زمان متأسفانه آثار ارزنده این نحوی پارسی‌نژاد را دستخوش فنا و زوال ساخته و از آن‌همه تألیفات جز دو کتاب (الهدایه) و کتاب (الکتاب) بجای‌نمانده‌است. و در یکی از آن‌دو یعنی (الهدایه) چنانکه ذیلاً از نظر خوانندگان میگذرد قرائنی وجود دارد که انتسابش به ابن درستویه درست نیست. و در کتاب دیگر «کتاب الکتاب» نیز تردید مختصری وارد میگردد.

کتاب الهدایه:

این کتاب ضمن جامع‌المقدمات کراراً در تهران چاپ شده‌است. در کتاب فهرست کتابهای عربی احتمال داده شد، که کتاب الهدایه مربوط به عبدالجلیل بن فیروزغزنوی یا عبدالله بن جعفر النحوی ابن درستویه یا ابو عبدالله زبیر بن احمد باشد^{۲۸}. کما اینکه کارل بروکلمان نیز همین‌گونه احتمال میدهد^{۲۹}.

یک بررسی در متن این کتاب نشان میدهد انتساب آن به ابن درستویه یا ابو عبدالله زبیر بن احمد درست نیست. زیرا در مقدمه کتاب الهدایه فی النحو مؤلفش مینویسد: «جمعت فیه مهمات النحو علی ترتیب الکافیة مبویاً ومفصلاً» - در این کتاب مسائل مهم نحو را به ترتیب کتاب کافیه از نظر باب و فصل بندی قرار داده‌ام»^{۳۰}.

بنابراین کتاب الهدایه نسبت به کتاب کافیه مؤخر است. و چون کتاب کافیه در نحو تألیف جمال‌الدین ابو عمرو عثمان بن عمر معروف به ابن حاجب مالکی نحوی متوفی به سال ۶۴۶ ه است^{۳۱}. پس کتاب الهدایه (چاپ‌شده ضمن جامع‌المقدمات) نمی‌تواند

۲۸ - فهرست کتابهای عربی ۲۴۶ و ۱۰۰۲.

۲۹ - تاریخ‌الادب العربی ۱۸۶/۲.

۳۰ - الهدایه ضمن جامع‌المقدمات ۱۸۴.

۳۱ - کشف‌الظنون ۱۳۷۰/۲.

تألیف ابن درستویه متوفی به سال ۳۴۷ هـ^{۳۲} و یا منسوب به ابو عبدالله زبیر بن احمد متوفی قبل از ۳۲۰ هـ^{۳۳} باشد. احتمالاً میتوان گفت، تألیف عبدالجلیل بن فیروز غزنوی است که زادروز یا مرگش معلوم نیست^{۳۴}.

کتاب الکتاب المتمم:

کتابی منسوب به ابن درستویه موسوم به (کتاب الکتاب) به وسیله اب لویس شیخو انیسوی به سال ۱۹۲۷ میلادی منتشر شد. چاپ این نسخه از روی نسخه خطی است که رزق الله حسون در سال ۱۸۷۵ میلادی در قریه وندرز از قرای لندن نوشته است. ناشر از مقارنه فهرست و کشف الظنون احتمال میدهد، این کتاب همان کتاب المتمم ابن درستویه باشد. لیکن در مقدمه این کتاب مؤلفش نوشته است.

«هذا کتاب کتّافناه فی خلافة امیر المؤمنین المعتصم بالله تالیفاً مختصراً - این کتابیست که به صورت اختصار در زمان خلافت المعتصم بالله تألیف کرده بودیم».

باتوجه به تاریخ مرگ معتصم عباسی که به سال ۲۲۷ هـ اتفاق افتاده^{۳۵} و تاریخ ولادت ابن درستویه که در سال ۲۵۸ هـ بدنیاً آمده^{۳۶}، پیداست، ابن درستویه نمی‌توانسته تألیفی در عصر معتصم که سی و یک سال پیش از تولد ابن درستویه از دنیا رفته، داشته باشد. باین ترتیب چنانچه کلمه معتصم در کتاب الکتاب درست باشد، اسناد آن به ابن درستویه مشکوک بنظر میرسد. لیکن همانطور که استاد بزرگوار جناب آقای عبدالحمید بدیع‌الزمانی دامت افاضاته احتمال میدهند، باید کلمه معتصم، معتضد متوفی به سال ۲۸۹ هـ^{۳۷} باشد. بنابراین احتمال که به صحت بسی نزدیک است، کتاب مزبور همان (کتاب الکتاب المتمم) است، که حاجی خایفه بهمین نام آنرا ذکر

۳۲ - به قسمت آخر مقاله تحت عنوان پایان زندگی ابن درستویه مراجعه شود.

۳۳ - وفيات الاعیان ۶۹/۲.

۳۴ - بغية الوعاة ۲۹۵ و هدية العارفين و أسماء المؤلفين ۱/ ۵۰۰.

۳۵ - تاریخ خلفاء ۲۳۶.

۳۶ - چنانکه در آغاز مقاله گذشت.

۳۷ - تاریخ الخلفاء ۲۷۳.

نموده است^{۳۸} . و ابن الندیم (کتاب‌المتمم) نوشته است . و بروکلیمان آنرا (کتاب الفاظ الکتب‌المتمم فی الخط والهجاء) ضبط کرده است^{۳۹} .

علامه زمخشری (قرن ششم) در تفسیر خود به این کتاب استشهاد کرده می‌نویسد: «قال عبدالبن درستویه فی کتابه المترجم بکتاب الکتب‌المتمم فی الخط والهجاء ، خطان الايقاسان : خط المصحف لانه سنه و خط العروض لانه یثبت فیہ ما اثبتہ اللفظ ویسقط عنه ما أسقطه»^{۴۰} .

اثر ابن درستویه

چنانکه گذشت از آثار مکتوب او چیز قابل ملاحظه‌ای بما نرسید . و آنچه بر جای مانده است ، نمایشگر ژرفای واقعی این بحر عمیق نیست . و ما نمی‌توانیم مستقیماً نظریات و آراء او را در جمیع شئون لغت و نحو و تفسیر و غیره درک نمائیم . و ارزیابی کامل در آراء استوار و ارجحیت نظریات علمی وی بنمائیم . لیکن منکر این معنی نمی‌توان بود ، که وی از مردان فحل و امیران میدان علم در روزگار خویش بود . و آراء علمی و ادبیش محط نظر ارباب بصیرت و حجت برای بزرگان دانش بوده است .

مثلاً ابن هشام در معنی و فیروزآبادی در قاموس از قول ابن درستویه شاهد ذکر میکنند . و نیز سیوطی در المزه از شرح الفصیح ابن درستویه بکرات یاد میکند و آراء وی را در فنون مختلف ادب ذکر و استشهاد مینماید .

الفصیح تألیف ابوالعباس ثعالب (۲۹۱) استاد ابن درستویه است . ابن درستویه شرحی بر آن نوشته که متأسفانه مانند بیشتر آثار او دستخوش غارت ایام قرار گرفته است . اگرچه این کتاب بدست ما نرسیده ، ولی آنچه سیوطی از آن در المزه نقل نموده ، گویای غزارت ماده ادب و دانش سرشار ابن درستویه است . شاید تتبع آراء و نظریات او در خلال کتب ادب عربی نظیر معنی و قاموس و المزه

۳۸ - کشف الظنون ۲/ ۱۴۵۱ .

۳۹ - تاریخ‌الادب العربی ۲/ ۱۸۶ .

۴۰ - کشف ۱/ ۲۲ ترجمه - ابن درستویه دو کتابش موسوم به کتاب الکتب‌المتمم فی الخط والهجاء

می‌گوید دو خط است که باهم مقایسه نمی‌شود : خط مصحف (قرآن) که آن سنت است و خط عروض زیرا که در آن آنچه بلفظ آید نوشته‌شود و آنچه بلفظ نیاید نوشته نگردد .

ما را به عمق بیشتری از این دریا رهبری کند. و اثر او را در فرهنگ قرون بعد بیشتر مکشوف دارد. و چنانکه دیدیم آثار او تا زمان سیوطی (۹۱۱) یعنی اوائل قرن دهم، مرجع ارزنده‌ای در مسائل ادب برای صاحب نظران بوده است.

پایان زندگی ابن درستویه

دفتر زندگی این نحو دان پارسی زبان که قولش در موارد متعدد، پیرامون مسائل علوم اسلامی برای بزرگان دانش و ادب حجت بوده است، طبق نوشته عموم نویسندگان تراجم به سال ۳۴۷ هـ بسته شد. لیکن در آن جمع فقط ابن ندیم می نویسد: «در سال سیصد و سی و اندی وفات یافت» و زبیدی که سال ۳۷۹ هـ وفات یافته و همزمان با ابن ندیم میزیسته پایان زندگی ابن درستویه را در سال ۳۴۷ ذکر نموده است^{۴۱}.

لازم به تذکر میدانند سال وفات ابن درستویه در چاپ اول روضات الجنات به اشتباه ۸۴۷ چاپ کردند و در چاپ دوم آنرا اصلاح کرده و ۳۴۷ نوشته اند.

منابعی که در تنظیم این مقاله از آنها استفاده شده

- ۱ - انباه الرواة: علی بن یوسف قفطی، چاپ اول - قاهره.
- ۲ - بقیة الوعاة: جلال الدین سیوطی، چاپ اول - مصر.
- ۳ - البداية والنهاية: ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر، چاپ اول مطبعة سعادت مصر.
- ۴ - تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، چاپ ۱۳۴۹ هـ.
- ۵ - تاریخ الخلفاء: جلال الدین سیوطی، چاپ دوم مطبعة سعادت مصر.
- ۶ - تاریخ العرب العربی: کارل بروکلمان ترجمه دکتر عبدالاحیم نجار، چاپ مصر.

۴۱ - طبقات النحویین ۱۲۷ و الفهرست ۶۳ و تاریخ بغداد ۴۲۹/۹ و انباه الرواة ۱۱۴/۲ و وفيات

۱۹۵۹ م.

- ۷ - تاریخ آداب اللغة : جرجی زیدان ، چاپ دارالاهلال ۱۹۵۷ م .
- ۸ - روضات الجنات : میرزا محمد باقر موسوی خوانساری ، چاپ سنگی .
- ۹ - ریحانة الادب : محمدعلی مدرس ، چاپ سوم تبریز .
- ۱۰ - طبقات النحویین والفقویین : محمدبن الحسن الزبیدی ، چاپ اول ۱۳۷۳ هـ .
- ۱۱ - الفهرست : ابن الندیم ، چاپ فلوجل .
- ۱۲ - فهرست کتابهای چاپی عربی : خاناباا مشار ، چاپ تهران ۱۳۴۴ ش .
- ۱۳ - كشف الظنون : حاجی خلیفه ، چاپ استانبول ۱۳۶۰ هـ .
- ۱۴ - الکشاف : علامه زمخشری ، چاپ دوم مطبعه استقامت مصر .
- ۱۵ - المزهرة : جلال الدین سیوطی ، چاپ دار احیاء الکتب العربیة .
- ۱۶ - المعارف : ابن قتیبه دینوری ، چاپ دارالکتب ۱۹۶۰ هـ .
- ۱۷ - معجم البلدان : یاقوت حموی ، چاپ بیروت ۱۳۷۶ هـ .
- ۱۸ - وفيات الاعیان : ابن خلکان ، چاپ اول مصر ۱۳۶۷ هـ .
- ۱۹ - الهدایه (ضمن جامع المقدمات) : منسوب به ابن درستیوه ، چاپ تهران ۱۳۷۹ هـ .
- ۲۰ - هدیة العارفين و اسماء المؤلفين : اسماعیل پاشا بغدادی ، چاپ استانبول

۱۹۵۵ م.